

تحلیل نمایشنامه توازن ظریف اثر ادوارد آلبی بر اساس نظریه

کنش متقابل نمادین با تمرکز بر آراء جورج هربرت مید

مینا جهانگیری^۱

استادیار، گروه زبان انگلیسی، واحد شوشتر، دانشگاه اسلامی، شوشتر، ایران.

فاضل اسدی امجد

استاد گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبانهای خارجی، دانشگاه

خوارزمی، تهران

علیرضا امیدبخش

استادیار گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران

مطالعات جامعه‌شناختی

(علمی - پژوهشی)

دوره ۲۹، شماره یک: ۳۲۱-۲۹۵

شاپا ۲۸۰۹-۱۰۱۰

نمایه در ISC

پندیرش ۱۴۰۱/۴/۲۲

دریافت ۱۴۰۰/۱۱/۲۶

چکیده

ادوارد آلبی (۱۹۲۸-۲۰۱۶)، نمایشنامه‌نویس مدرن صاحب سبک آمریکایی از جمله نویسندگانی است که تلاش کرده روابط اجتماعی افراد را در نمایشنامه‌هایش بازنمایی کند. انعکاس این روابط نه تنها در کلام، بلکه در سکوت و برخوردهای فیزیکی شخصیت‌ها دیده می‌شود که یادآور توجه به جنبه‌های پیدا و پنهان رفتار در نظریه کنش متقابل نمادین است. هدف این پژوهش بکارگیری نظریه‌ی کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء جورج هربرت مید (۱۹۳۱-۱۸۶۳) در تحلیل متن نمایشنامه‌ی توازن ظریف اثر ادوارد آلبی است. در این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار استفاده گردید. یافته‌های پژوهش روند تغییر در باورهای افراد آمریکایی را بعد از نیمه قرن بیستم از طریق تقابل دو گروه شخصیت‌نشان می‌دهد. در یک‌سو، والدینی که تابع آموزه‌ها، ارزش‌ها و استانداردهای بورژوازی جامعه سنتی آمریکا هستند و در سوی مقابل دیگران مهم آنها صف‌آرایی کرده‌اند. گروه دوم، با وجود گذار از ارزش‌های سنتی جامعه نتوانسته‌اند به طور مستقل به حیات اجتماعی خود ادامه دهند و در نتیجه وابسته به گروه نخست هستند. این وابستگی طفیلی‌وار که زمینه‌ساز تعارضات و تنش‌های شخصیت‌ها می‌شود؛ با برهم زدن توازن و تعادل ظریف خانواده منجر به ارزیابی و بازاندیشی روی دو قطبی حقوق فردی/مسئولیت اجتماعی می‌شود.

واژگان کلیدی: نمایشنامه، ادوارد آلبی، توازن ظریف، جورج هربرت مید، کنش متقابل نمادین

مقدمه

یکی از شاخه‌های مطالعات اجتماعی که در سطح خرد به بررسی روابط انسانی می‌پردازد کنش متقابل نمادین است. این سطح از مطالعات جامعه‌شناختی شامل کشف قواعد حاکم بر تعاملات زندگی روزمره اجتماعی و تبیین تأثیر آن در روابط انسانی است. جورج هربرت مید یکی از پیشگامان نظریه کنش متقابل نمادین است. او تفکر، آموزش نمادها، معانی و فراگردهای ذهنی را محصول کنش متقابل در جهان اجتماعی می‌پنداشت (انواری، ۱۳۹۰). بررسی جزء به جزء آراء این جامعه‌شناس در حوزه مفاهیم و کارکردهای زبان در سطح گفت‌وگوهای میان افراد نه تنها در حوزه جامعه‌شناسی بلکه در حوزه ادبیات نمایشی که اساس آفرینش‌های آن بر ساختارهای مکالمه‌محور استوار است نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد.

در این میان، آثار نمایشی «ادوارد آلبی»^۱ که یکی از برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویسان آمریکایی است (باتمز، ۲۰۰۵: ۸)، می‌تواند گزینه مناسبی برای این بررسی باشد. نمایشنامه‌های او که بیش از نیم‌قرن از واقعیت‌های جامعه آمریکا را منعکس می‌کنند، دربرگیرنده شخصیت‌هایی هستند که نوع تفکر، رفتار و تعاملاتشان تداعی‌گر افراد در بافتار واقعی اجتماع است. به نظر می‌رسد بررسی موقعیت‌های داستانی و نوع تعاملات شخصیت‌های آثار آلبی رهیافتی به سوی درک ماهیت روابط اجتماعی افراد در جامعه آمریکا و مسائل اجتماعی پیش روی آنها در یک برهه زمانی مشخص فراهم کند. نکته قابل توجهی که در خوانش آثار وی می‌توان دریافت این است که بخش قابل ملاحظه‌ای از آثار او مشخصاً به روابط خانوادگی و ارتباطات میان گروه‌های کوچکی از شخصیت‌ها می‌پردازند.

نمونه این کاربست را می‌توان در نمایشنامه *توازن ظریف*^۲ (۱۹۶۶) مشاهده کرد؛ نمایشنامه‌ای که به دلیل مطرح کردن مضامین اجتماعی، موفق به دریافت جایزه ادبی پولیتزر^۳ شد. در این نمایشنامه، مخاطب آشکارا شاهد مواجهه نویسنده با مسائل اجتماعی بر اساس نوعی بازنگری انتقادی است. آلبی در این نمایشنامه ضمن اینکه به خانواده به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی می‌نگرد، همزمان به نقد پنداشت بی‌حد و اندازه پنداشتن نقش مسئولانه و حمایتگر والدین در

1 Edward Albee

2 A Delicate Balance

3 Pulitzer Prize جایزه‌ای در روزنامه‌نگاری، ادبیات و موسیقی که بخش‌های گوناگون دارد.

مقابل سایر اعضا نیز می‌پردازد. همچنین نویسنده از رهگذر این نمایشنامه به تحلیل چگونگی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری افراد از یکدیگر در تجربه زیستی‌شان با امر واقع نیز می‌پردازد. رویکرد آلبی در بخش وسیعی از آثارش، بر نمایشی از شدت شکنندگی، تعارضات و عدم قطعیت در صور ظاهری روابط انسانی استوار است. این عدم قطعیت که تحلیلی انتقادی از دادوستدهای اجتماعی انسان‌ها به دست می‌دهد به بهترین حالت در روابط مبتنی بر اخلاقیات و عرف در مقابل امر غیراخلاقی و غیرعرفی شکل گرفته است و در سطح کنشی و روابط کلامی شخصیت‌ها نیز نمود می‌یابد. زبان به کار رفته در نمایشنامه‌های آلبی موجز، مقتصدانه و ساده است. اما عباراتی که شخصیت‌ها در کنش متقابل خود با یکدیگر به کار می‌برند مبتنی بر چنان پیچیدگی و ژرفایی است که دیالوگ‌های آنها را صاحب سطوح مختلفی از معنا می‌کند. تحلیل این معانی می‌تواند منجر به شکل‌گیری درک مطلوب‌تری از متن نمایشنامه موردنظر شود.

تمرکز این مطالعه بر ارزیابی تأثیر الگوها و آموزه‌های اجتماعی یا دیگری تعمیم‌یافته^۱ در شکل‌دهی به پنداشت و رفتار شخصیت‌ها، علت وجود دوگانگی میان رفتار شخصیت‌ها با نیات ذهنی آنها و همچنین بررسی علل ارائه تصویری غیرواقعی از خود به دیگران است. از این رو، با توجه به مختصات یادشده و همچنین توجه به نقش بردارهای کلامی و کنشی در سطح تعاملات خرد، می‌توان به بررسی رفتار شخصیت‌ها و تعاملات فی‌مابین آنها بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء جورج هربرت مید پرداخت.

اهمیت انجام این تحقیق از یک سو به نیاز مبرم حوزه نقد ادبیات نمایشی به استفاده از رویکردهای نظریه‌محورانه و از سوی دیگر به کاربردی‌ترکردن رویکردها و نظریه‌های جامعه‌شناسی با کاربست آنها در سایر حوزه‌های علوم انسانی برمی‌گردد. انجام این تحقیق می‌تواند به گسترش دامنه مطالعات بین‌رشته‌ای نیز بینجامد.

پرسش‌های تحقیق عبارتند از:

۱. چگونه می‌توان نمایشنامه *توازن ظریف* ادوارد آلبی را بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء جورج هربرت مید تحلیل کرد؟

1 The generalized other

۲. چگونه می‌توان در نمایشنامه *توازن ظریف* دو قطبی حقوق فردی/مسئولیت اجتماعی در مقابل دیگران مهم را با استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین و با تکیه بر آراء مید تفسیر کرد؟

ضرورت انجام این تحقیق بدان دلیل است که از رهگذر تحلیل متن نمایشنامه‌ها می‌توان به آگاهی کلی نسبت به فرهنگ عامه آمریکایی از سطوح روزمره تا عالی در قالب رفتارها، آداب، نیت‌مندی کنش‌ها و کنشگری افراد در نیمه دوم قرن بیستم دست یافت. در این راستا، تأثیر مخرب آموزه‌ها و الگوهای نهادینه‌شده اجتماعی مدنظر آلبی با توجه به مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی شخصیت‌های نمایشنامه‌ی *توازن ظریف* مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در بازنمایی مسائل گوناگون مربوط به تأثیر مخرب آموزه‌ها و الگوهای نهادینه‌شده اجتماعی، از تجربه‌های زندگی شخصیت‌ها، نقش‌های اجتماعی، تجربه‌های فردی، نسبت‌های ذهنی و نسبت بین افراد و سطح درک آنها از الگوهای اجتماعی به بازتعریف رفتارها، آداب، نیت‌مندی کنش‌ها، تجارب روزمره و بازنمایی هویت‌ها پرداخته می‌شود. همچنین تأثیر دیگری-تعمیم‌یافته با روند شکل‌گرفتن معنا و باورهای ذهنی شخصیت‌های نمایش بررسی می‌شود. بدین منظور، از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار^۱ استفاده می‌شود.

از میان نمایش‌های ترجمه‌شده ادوارد آلبی که هر یک از منظر ویژه‌ای وضعیت فرد و جامعه امریکا را در بازه زمانی به گستردگی نیمه دوم قرن بیستم و دهه اول قرن حاضر منعکس می‌کنند، نمایشنامه *توازن ظریف* به دو دلیل انتخاب شده است: اول اینکه نمایشنامه *توازن ظریف* به شکل مشهودی به انتقاد از تأثیر آموزه‌ها و الگوهای اجتماعی در ایجاد درک نادرست افراد از یکدیگر می‌پردازد و بنابراین از طریق رویکرد نظری جورج هربرت مید در خصوص تأثیرپذیری فرد از الگوهای اجتماعی قابل تفسیر است. دلیل دوم این است که نمایشنامه یادشده بر کنشگری فعال فرد در برابر امر اجتماعی و الگوهای تعمیم‌یافته جامعه صحنه می‌گذارد.

با به‌کارگیری مؤلفه‌های نظریه مید در نمایشنامه یادشده مسائلی مانند مشخصه‌های اجتماعی و فرهنگی شخصیت‌ها، بررسی تجربه‌های زندگی آنها، نقش‌های اجتماعی، نحوه ارزیابی عملکرد دیگران توسط آنها با توجه به نسبت‌هایشان و سطح درک‌شان از یکدیگر و موقعیتی که در آن واقع شده‌اند؛ مورد توجه قرار می‌گیرد.

پیشینه تحقیق

تاکنون تحقیقات معدودی در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی و مقالاتی چند روی آثار آلبی انجام شده که بیشتر بر ویژگی‌های روانشناسی جنسیتی، جنبه‌های اگزیستانسیالیستی، خوانش مارکسیستی و اسطوره‌شناختی آثار وی متمرکز شده‌اند.

از جمله تحقیقاتی که از بُعد اجتماعی روی آثار آلبی انجام شده است می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره کرد. مونا هوروش در رساله دکتری خود با عنوان *بازنمایی زنان در نمایشنامه‌های ادوارد آلبی و مقاله‌اش* که با همین نام انجام گرفته است به بررسی وضعیت برخی از شخصیت‌های زن در تعدادی از آثار آلبی از جمله *نمایشنامه توازن ظریف* پرداخته است (هوروش، ۱۳۹۱).

رویا خسروی نیز در پایان‌نامه خود با عنوان *مطالعه نشانه‌شناسی سه نمایشنامه از ادوارد آلبی به نام‌های چه کسی از ویرجینیا وولف می‌ترسد، داستان باغ وحش و جعبه سنی*، نظریات ساندرس پیرس در زمینه نشانه‌شناسی را در تحلیل این سه نمایشنامه به‌کار بسته است. او در تحلیل خود نشان داد که در دنیای نمایشنامه‌ها، آلبی به خوبی از انواع نشانه‌ها و تأثیر کلام بهره جسته و اینکه آلبی با شناخت انواع نشانه‌ها، به ترسیم فقدان ارتباط بین انسان‌های مدرن در جامعه آمریکا کمک کرده است (خسروی، ۱۳۹۳).

رجبعلی عسکرزاده در مقاله‌ای با عنوان *پیشینه داستان باغ وحش: خوانش مارکسیستی، با به‌کارگیری نظریه مارکس و لویی آلتوسر* به بررسی دو شخصیت نمایشنامه پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده توسط وی دلالت بر این دارد که یکی از دو شخصیت، نماینده خرده بورژوازی یا طبقه متوسط و دیگری نماینده طبقه کارگر است و هر دو قربانی طبقه بورژوازی می‌باشند. از سویی محقق با به‌کارگیری نظریه آلتوسر نهادهای ایدئولوژیک مانند خانواده، مدرسه، کلیسا و غیره را ابزارهایی در دست هژمونی می‌داند که به واسطه آنها فرد کنترل می‌شود (۱۳۹۸: ۱۱۳).

طبق بررسی‌های پژوهشگران این مقاله، تا کنون پیرامون نمایشنامه *توازن ظریف* از منظر رویکردهای شناخته‌شده در علوم اجتماعی تحقیق مدونی انجام نشده است. نمایشنامه مذکور توسط رضا شیرمرز در سال ۱۳۹۴ ترجمه شده است.

با توجه به اینکه آثار آلبی منعکس‌کننده بسیاری از مسائل اجتماعی جامعه امریکا و تأثیرشان بر روند شکل‌گیری آگاهی در افراد این جامعه است، به نظر می‌رسد با تکیه بر رویکردها و تئوری‌های اندیشمندانی مانند مید که از این بافت فرهنگی و اجتماعی سربرآوردند، به نحو بایسته‌تری می‌توان به تحلیل این‌گونه آثار پرداخت.

پیرامون جورج هربرت مید نیز تألیفات و مطالعاتی تا کنون در ایران انجام شده که به طور کلی می‌توان آنها را در سه قالب دسته‌بندی کرد: بخش‌هایی توصیفی-تحلیلی از کتاب‌هایی در حیطه تئوری‌های جامعه‌شناسی؛ مقالاتی که به تشریح و تبیین بخش‌هایی از نظرات وی، تأثیرپذیری‌اش از پیشینیان و تأثیرگذاری‌اش بر متفکران پس از او پرداخته‌اند؛ پایان‌نامه‌ها و مقالاتی که محوریت آنها بر کاربرت نظریات مید در بررسی یک مسأله یا پدیده اجتماعی با تمرکز بر یک جامعه آماری مشخص طراحی شده‌اند. در نتیجه، کمتر به کاربرد نظریه مید در دیگر حوزه‌های علوم انسانی از جمله ادبیات و به‌ویژه شاخه نمایشی آن توجه شده است.

از میان این پژوهش‌های انجام شده دربارهٔ مید می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- حسین ابوالحسن تنهایی در بخشی از کتاب خود با عنوان *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی* (۱۳۷۷) به بحث پیرامون نظریه‌های مید پرداخته و بر این باور است که مید با طرحی از یک جامعه سالم، سعی نمود مراحل رشد فرد و جامعه را از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین حالت آن توضیح دهد.
- تقی آزاد آرمکی نیز در بخشی از کتاب خود با عنوان *نظریه‌های جامعه‌شناسی* (۱۳۸۶) به استفاده مید از پراگماتیسم متمرکز شده و عقیده دارد مید مفاهیمی مانند ذهن و فکر را بر پایه‌های زیستی، روانی و اجتماعی تشریح کرد.
- محسن نیازی و آمنه مرتضوی (۱۳۹۴) نیز در مقاله خود با عنوان *بررسی و تحلیل نظریه کنش متقابل نمادین چشم‌اندازی از این نظریه را ارائه کرد*. ایشان پس از بررسی ریشه‌های این نظریه در عمل‌گرایی فلسفی و رفتارگرایی شناختی، پاره‌ای از دیدگاه‌های صاحب‌نظران آن از جمله مید را ارائه کرده و انتقادات وارد شده به این نظریه را نیز مطرح نمودند.
- سیدمحمدامین قانع‌راد نیز در مقاله خود با عنوان *جورج هربرت مید: پست‌مدرنی در آغاز راه*، سعی کرد تا به شیوه‌ای تحلیلی-مقایسه‌ای به تشریح شباهت‌های موجود در آراء مید و اندیشه‌های پساساختارگرایان بپردازد (۱۳۹۲: ۲۸). او با شیوه‌ای نوین ضمن تلاش برای

خوانش مجدد پراگماتیسم مید نشان می‌دهد که بسیاری از موضوعاتی که بعدها پست‌مدرنیست‌ها مطرح کردند در آراء مید پیش‌بینی شده بود.

- مهدی سلطانی و حمید پارسانیا در مقاله خود با عنوان *بازخوانی انتقادی عمل‌گرایی اجتماعی جورج هربرت مید بر مبنای حکمت متعالیه*، با روشی تحلیلی-توصیفی به صورت‌بندی مبانی مانند درون‌ذات‌بودگی وجود، حرکت جوهری، خود و امثال آن، که از پیش‌فرض‌های ورود به بینش مید است، پرداختند و آنها را بر اساس حکمت متعالیه مورد نقد و ارزیابی قرار دادند (۱۳۹۵: ۱۳۷).

علی‌رغم مطلوب‌بودن مقالات و تألیفاتی از این دست، آنچه به صورت کاستی در این‌گونه پژوهش‌ها دیده می‌شود تکرار رویکردی کم‌وبیش مشابه در اکثریت قریب‌به‌اتفاق آنها و شیوه کمابیش توصیفی‌شان است. البته رنجبر و همکاران (۱۳۹۵) در مقاله *تحلیل جامعه‌شناختی نقشه المصدور بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین* به بررسی یک متن تاریخی بر اساس این نظریه پرداختند. زاهدی و همکاران (۱۳۹۲) نیز در مقاله *بررسی نقش‌های جنس‌گرایانه در دو نمایشنامه خواب در فنجان خالی و شکلک اثر نغمه ثمنی*، این دو نمایشنامه ایرانی را بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین و به شیوه توصیفی تحلیل نمودند. در مقاله یادشده مفهوم پنداشت از خود، ویژگی‌های ارتباطی و جایگاه در هرم قدرت بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین تبیین شد (نقل از رنجبر و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۵).

پژوهش حاضر یک نمایشنامه امریکایی را براساس نظریه کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء مید و با روش تحلیل محتوی کیفی با رویکرد جهت‌دار بررسی می‌کند.

چارچوب نظری

نظریه کنش متقابل نمادین بر حرکات، ژست‌ها، ایماها، حالات و نمادهای معنادار (زبان) در ارتباطات کنشگران در زندگی روزمره و تفسیر این نشانه‌ها متمرکز می‌شود. اساس این تئوری بر پایه نماد و معناست و دلالت بر این دارد که واقعیت‌ها بر پایه نمادها بنا شده است (نیازی و مرتضوی، ۱۳۹۴). همچنین این نظریه تشریح می‌کند که معناها در کنش متقابل دوطرفه افراد در محیط اجتماعی شکل می‌گیرند و بر این سؤال تأکید دارد که «چه نمادها و معنایی از کنش متقابل میان مردم به وجود می‌آید؟» (آکسان و همکاران، ۲۰۰۹: ۹۰۲).

اگرچه اصطلاح کنش متقابل نمادین را بلومر در سال ۱۹۳۷ و پس از مرگ مید مطرح کرد و این نظریه در زمان مید هنوز منسجم و مدون نشده بود اما مهم‌ترین اندیشمند وابسته به مکتب شیکاگو و نظریه کنش متقابل نمادین نه یک جامعه‌شناس بلکه فیلسوفی به نام جورج هربرت مید بود که تدریس فلسفه و روانشناسی اجتماعی را در دانشگاه شیکاگو بر عهده داشت (نیازی و مرتضوی، همان). او که از جمله پیشگامان روانشناسی اجتماعی بود «فعالیت یا رفتار فرد را در چارچوب فراگرد اجتماعی بررسی کرد.

برخلاف روانشناسی اجتماعی اولیه که از دیدگاه روانشناسی فردی به تجربه اجتماعی می‌پرداخت، مید معتقد بود که «تجربه فردی را باید از دیدگاه جامعه و یا دست‌کم از دیدگاه ارتباطاتی که برای سامان اجتماعی ضروری‌اند مورد بررسی قرار داد» (ریترز، ۱۳۷۷: ۴۴۴). به عقیده وی، افراد در گستره‌ای از واقعیت‌های اجتماعی با یکدیگر مواجه می‌شوند که تعیین‌کننده چگونگی و نیز معنای تعاملات آنهاست. او بر این باور بود که این واقعیت‌ها صرفاً عینی نیستند بلکه به صورت ذهنی و از طریق ارتباطات روزمره افراد با یکدیگر ایجاد می‌شوند (برگر و لاکمن، ۱۹۶۶: ۷۰). به عقیده مید، هنگامی که افراد با یکدیگر تعامل می‌کنند (صحبت می‌کنند، گوش می‌دهند، مشاهده و ارزیابی می‌کنند و شرایط را برای درک و عکس‌العمل مورد قضاوت قرار می‌دهند)، «در فرایند مستمر درک و تعریف رویدادها، واقعیت‌ها را تفسیر می‌کنند و معنا را به مذاکره^۱ می‌گذارند» (استولی، ۲۰۰۵: ۶۹). همچنین افراد با توجه به عواقبی که هر موقعیت برایشان به دنبال دارد به تفسیر آن موقعیت می‌پردازند و سپس بر اساس تفسیر خود رفتار می‌کنند (کوزر، ۱۹۷۷: ۵۲۲).

مید با ارائه تحلیلی از به‌هم‌پیوستگی خود، ذهن و جامعه، به تشریح تعاملات روزمره افراد پرداخت تا روند تفسیری که سبب به‌وجود آمدن حس واقعیت می‌شود را نشان دهد. او نشان داد که چگونه فرایندهای ذهنی انسان بخشی از فرایند وسیع‌تر اجتماعی است (بلومر، ۱۹۶۹). مید تمرکز ویژه‌ای روی سه مفهوم ذهن، خود و جامعه داشت که هر کدام مختصراً در ذیل توضیح داده می‌شود. (۱) جامعه: جامعه به‌عنوان پدیده‌ای ساختارمند نه تنها بستری برای تعاملات افراد محسوب می‌شود بلکه زمینه‌ای است که ذهن و خود اجتماعی آنها در بستر آن شکل گرفته و به تدریج

1 negotiate

تکامل می‌یابد (بلانندن، ۲۰۱۳: ۳۷۴). جامعه و ارتباطات اجتماعی به‌عنوان منشاء شکل‌گیری معنا هستند (اسنو، ۲۰۰۱: ۳۶۷).

۲) ذهن: ذهن انسان یک فراگرد اجتماعی است، در میان محرک‌ها و پاسخ‌ها به طور تعمودی دخالت کرده و جریان و شکل پاسخ‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به خاطر وجود ظرفیت‌های ذهنی است که امکان نمادپردازی فراهم می‌شود و نمادها برای انسان‌ها با معنا می‌شوند (مید، ۱۹۳۴: ۱۹۱). ذهن در نظریه مید وضعیتی پویا دارد و با قدرت تفسیرگری خود در فرایند درونی‌کردن معنا و یا ایجاد تغییر در معنا تأثیر می‌گذارد (مید، همان: ۷).

۳) خود: خود به واقعیتی اطلاق می‌شود که فقط در جریان تجارب و فعالیت‌های اجتماعی شکل گرفته و فراگردی آگاهانه است. از ویژگی‌های خود می‌توان به پویایی بودن (اینکه هیچ‌گاه تبدیل به ساخت نمی‌شود) و بازتابی بودن (یعنی پاسخ‌ها هستند که به کنش‌ها شکل می‌دهند بدین معنی که ما با خود حرف می‌زنیم و او نیز به ما پاسخ می‌دهد) اشاره کرد (شوالب، ۲۰۰۵: ۶۸۵).

خود از نظر مید با ذهن مرتبط بوده و دارای دو جنبه است: من فاعلی و من مفعولی^۱. من فاعلی «رفتارها و عکس‌العمل‌های یک‌مرتب و واکنش‌های آنی، خودبه‌خودی و غیرسازماندهی شده فرد هستند که فردیت و نوآوری را نیز در او به همراه دارند» (مید، همان: ۱۷۵). من مفعولی «جنبه سازمان‌یافته خود محسوب می‌شود که عمدتاً در تعامل فرد با دیگران آموخته شده؛ در رعایت هنجارهای اجتماعی بروز می‌کند و رفتار فرد را به شکل اجتماعی شده نشان می‌داد» (مید: همان، ۱۷۹).

پذیرفتن من فاعلی و من مفعولی تلویحاً به دو نکته می‌انجامد؛ اول، با پذیرفتن من مفعولی بر کنش متقابل میان کنشگر و جهان پیرامونی او تأکید می‌شود. دوم، با پذیرفتن من فاعلی نه تنها به ارتباط کنشگر و جهان به‌عنوان فراگردهای پویا و نه ساختارهای ایستا تأکید می‌شود بلکه بر امکان ایجاد تغییر جهان اجتماعی از سوی کنشگر صحه گذارده می‌شود. از دیگر مفاهیم پایه‌ای در نظریه مید می‌توان به نقش‌بازی کردن، نقش‌پذیری و دیگری‌تعمیم‌یافته اشاره کرد که هرکدام به اختصار توضیح داده می‌شوند.

۴) نقش‌بازی کردن و نقش‌پذیری^۱: با در نظر گرفتن ماهیتی پویا برای خود، مید زمان پیدایش و تکامل خود را از کودکی، یعنی دوران اولیه اجتماعی شدن فرد و از طریق تعامل او با دیگران پیرامونی‌اش در قالب نقش‌بازی کردن ساده می‌بیند. در این نقش‌بازی کردن و پس از آن نقش برعهده گرفتن است که فرد می‌تواند زاویه دید، نقطه نظرات و حتی عکس‌العمل‌های احتمالی دیگران را نیز پیش‌بینی کرده و پس از تفسیر آنها، به ارائه عکس‌العملی متناسب اقدام نمایند» (بلومر، ۱۹۶۹: ۶۲). این دو مرحله مقدمه ورود به مرحله مهمی در روند اجتماعی شدن فرد هستند که مید از آن با عنوان دیگری تعمیم‌یافته یاد کرد (میلر، ۱۹۸۲).

۵) دیگری تعمیم‌یافته^۲: به «مجموعه نگرش‌های جمعی و سازماندهی شده، الگوهای کلی، انتظارات و استانداردها» (سوبروال، ۲۰۰۹: ۹) اشاره دارد که «در ارتباط با سیستم‌ها یا گروه‌های پیچیده‌تر اجتماعی شکل می‌گیرد. دیگری تعمیم‌یافته نگرش‌های سازمان‌یافته و عمومی و معیارهایی هستند که فرد با ارجاع به آن می‌تواند رفتار خود را ارزیابی کند» (مید، همان: ۱۹۵). از نظر مید هنگامی که دیگری تعمیم‌یافته در فرد درونی می‌شود، «او رفتارهای خود را از لنز جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند؛ مشاهده کرده و اعمال و سخنان خود را بر مبنای الگوهای هنجاری و استانداردهای تعیین‌شده به وسیله جامعه ارزیابی می‌کند» (مید، همان: ۲۵۵).

۶) دیگری مهم^۳ «دیگری مهم به فرد یا افرادی گفته می‌شود که شخص از نظر احساسی و روان‌شناختی به آنها علاقه‌مند یا وابسته است و از آنها تأثیر می‌پذیرد و بیشتر وقتش را با آنها می‌گذراند» (کوئن، ۱۳۹۹: ۹۳).

از طریق معرفی این مفاهیم و مراحل، خصوصاً دیگری تعمیم‌یافته بود که مید به تعریف خود اجتماعی فرد به‌عنوان عامل ارتباط‌دهنده دنیای ذهنی او با زمینه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، پرداخت.

منتقدان نظریه کنش متقابل نمادین عقیده دارند که این جزئیات آنقدر کوچک هستند که به نظر مهم نمی‌آیند. اما در واقع مطالعه دقیق پدیده‌های اجتماعی کوچک می‌تواند درک عمیقی از

1 Play Stage and game stage

2 Generalized other

3 Significant others

شیوه انجام کارها و برقراری ارتباط در انسان‌ها به دست دهد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا با استفاده از این نظرات، به تحلیل متن نمایشنامه *توازن ظریف* اثر ادوارد آلبی پرداخته شود. در ادامه، روش پژوهش و خلاصه‌ای از نمایشنامه *توازن ظریف* ارائه خواهد شد و پس از آن نمایشنامه ذکر شده بر اساس موارد نظری تحلیل می‌شود.

روش پژوهش

تحلیل محتوای کیفی نوعی روش‌شناسی در خدمت تفسیر محتوایی داده‌هاست (ایمانی و نوشادی، ۱۳۹۰: ۱۵). این روش برای تحلیل داده‌های متنی کاربرد فراوانی دارد. داده‌های متن ممکن است به صورت شفاهی، چاپی یا الکترونیکی، مصاحبه‌ها، مشاهدات، رسانه‌های چاپی مانند مجلات و کتاب‌ها و غیره باشد (همان: ۱۸). بر اساس تعریف برلسون، تحلیل محتوی ویژگی‌های ظاهری یک پیام (متن یا مکالمه و غیره) را به شکل عینی و نظام‌مند توصیف می‌کند (برلسون، ۱۹۵۲). همچنین فیلیپ استون عقیده دارد که «تحلیل محتوی روشی است که به شیوه‌ای عینی و بر اساس قواعد معین، مشخصاتی ویژه از یک پیام را کشف می‌کند که این تعریف به تحلیل محتوی نزدیک‌تر است» (استون، ۱۹۶۶: ۵).

بر اساس نظریه شی‌یی و شانون، رهیافت‌های موجود در زمینه تحلیل محتوای کیفی به سه دسته عرفی، جهت‌دار و تلخیصی تقسیم می‌شوند (شی‌یی و شانون، ۲۰۰۵). از سه روش یادشده، روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار، مبتنی بر نظریه است. تحلیل محتوای با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوی از فرایند ساختارمندتری برخوردار است. این روش را معمولاً به دلیل اتکا بر نظریه به‌عنوان روشی قیاسی طبقه‌بندی می‌کنند.

با توجه با اینکه در پژوهش حاضر از نظریه کنش متقابل نمادین استفاده می‌شود، بنابراین به نظر می‌رسد روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار برای دستیابی به نتیجه مطلوب باشد. وجود این نظریه می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. وجود نظریه همچنین می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رمزها و مقوله‌بندی کمک کند (ایمانی و نوشادی، همان: ۲۴). با به‌کاربردن نظریه موجود (در اینجا کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء مید)، پژوهشگران کار خود را با شناسایی مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه آغاز می‌کنند. تعیین مقوله‌ها نیز با استفاده از نظریه مشخص می‌شود.

به صورت جزئی‌تر می‌توان گفت از فرایندهای کدبندی، مقوله‌سازی و تدوین تم استفاده می‌شود. فرایند انجام کار در این پژوهش به صورت کلی شامل ۵ مرحله است که عبارتند از: (۱) تنظیم پرسش‌های تحقیق؛ (۲) برگزیدن نمونه موردنظر که در اینجا متن یک نمایشنامه است؛ (۳) مشخص کردن رویکرد نظری که در اینجا نظریه کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء جورج هربرت مید است؛ (۴) طرح‌ریزی فرایند کدگذاری؛ (۵) تحلیل نتایج حاصل از فرایند کدگذاری. برای تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، بخش‌هایی از متن دیالوگ‌های میان شخصیت‌های نمایشنامه *توازن ظریف* به‌عنوان واحد معنا در نظر گرفته می‌شود. تعیین مقوله‌ها با تکیه بر مفاهیم اساسی مطروحه توسط مید مانند خود، من فاعلی، من مفعولی، دیگری مهم، دیگری تعمیم‌یافته، ایفای نقش و غیره انجام می‌شود.

بررسی نمایشنامه *توازن ظریف* با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار، در دو سطح توصیف و تحلیل صورت می‌گیرد. در سطح توصیف، عناصر اصلی که تحلیل بر اساس آن صورت می‌پذیرد، گزارش و توصیف می‌شوند. در مرحله اول (سطح توصیف)، از متن نمایشنامه بهره می‌گیریم. در مرحله دوم (سطح تحلیل)، درون‌مایه‌های مرکزی متن نمایشنامه را با عطف به مفاهیم اساسی مید، برجسته کرده و متن را از نو، بر مبنای بستر نظری تحلیل می‌کنیم. این فرایند به صورت مرحله‌به‌مرحله از طریق تعیین واحد معنا (به‌کارگیری برش‌هایی از متن)، کدگذاری باز، کدگذاری محوری (زیرمقوله‌بندی)، ادغام زیرمقوله‌ها (مقوله‌سازی) و درنهایت ساخت تم (مضمون) دنبال می‌شود.

خلاصه نمایش

توازن ظریف، که نمایشنامه‌ای دو پرده‌ای است، زن و شوهری با نام‌های اگنس و توبیاس^۱ که زوجی نسبتاً متمول هستند را به تصویر می‌کشد. آنها به لحاظ اینکه در سنین بالاتر از شصت سال هستند تمایل دارند زندگی آرام و به دور از دغدغه‌های فرساینده مرتبط با حضور دیگران مهم‌شان داشته باشند. این امر که از حقوق فردی آنها پنداشته می‌شود با حضور طولانی مدت خواهر زن به نام کلیر^۲ که زنی دائم‌الخمر است و به هیچ نحو خواهان جداشدن از آنها نیست،

1 Agnes and Tobias

2 Claire

مخدوش شده است. بحث‌های لفظی مستمری میان آگنس و کلر وجود دارد و این امر با ورود غیرمنتظره دوست تویاس به نام هری با همسرش ادنا^۱ که خواهان زندگی برای مدت نامعلوم در کنار آنها هستند، تشدید می‌شود. پنداشت هری و ادنا این است که چون قدمت دوستی‌شان با تویاس و آگنس به حدود چهل سال می‌رسد این حق را دارد که برای فرار از ترس‌های دورنی خود به خانه آنها آمده و با آنها زندگی کنند. همزمان جولیا دختر ۳۶ ساله تویاس و آگنس نیز پس از ناکامی در چهارمین ازدواجش به خانه پدری باز می‌گردد. اشغال اتاق سابق جولیا توسط هری و ادنا باعث اوج‌گیری تعارضات میان کنشگران می‌شود به نحوی که آنها افکار پنهان خود را به شکل رفتارهای عیان‌شان ابراز می‌کنند. مجموع این رویارویی‌ها بخش قابل‌توجهی از باورهای پیشین آنها را دستخوش تغییرات بنیادینی می‌کند و این امر راه را برای نیل به آگاهی نوینی هموار می‌کند. دستیابی به این آگاهی نوین باعث می‌شود شخصیت‌ها به ارزیابی موقعیت، محرک‌های رفتاری و گفتاری دیگران پیرامونی‌شان و نقش خود پرداخته و در نهایت به الگوهای معنایی جدیدی دست یابند.

بحث و بررسی

توازن ظریف نمایشنامه‌ای با محوریت تغییرات ایجادشده در خانواده امریکایی به‌عنوان یک پدیده اجتماعی بعد از نیمه قرن بیستم است. آلبی در این اثر به واکاوی روند دگرگونی در نحوه تعاملات خانوادگی می‌پردازد. او در این نمایشنامه بر خانواده و روند تغییر در معنای نمادین آن در نیمه دوم قرن بیستم در جامعه امریکایی متمرکز می‌شود. *توازن ظریف* برخلاف نامش، خانواده‌ای را باز می‌نماید که از توازن و تعادل خارج شده و آرامشی که اعضا به دنبال آن هستند را برای آنها فراهم نمی‌کند. تکیه اصلی نمایشنامه خصوصاً روی واکنش‌های والدینی است که در نهایت از شکل سنتی حمایت‌گری تام در مقابل اعضای خانواده (که پیشتر به‌عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی می‌کردند) فاصله می‌گیرند.

طرح نمایشنامه به گونه‌ای است که با لحاظ‌کردن مسئله مسؤلیت‌های اجتماعی والدین در خانواده‌ای که تا بعد از نیمه قرن بیست هنوز شکل هسته‌ای به خود نیافته، مخاطب را به پاسخ به این مسأله وادارد که اساساً حد میان مسؤلیت در مقابل وابستگان (اعم از فرزند، بستگان و

1 Harry and Edna

دوستان خانوادگی) از یک سو و حقوق فردی کجاست؟ و آیا فرد با ارائه یک الگوی رفتاری متفاوت با الگوهای نهادینه‌شده اجتماعی و فرهنگی می‌تواند به ارزیابی، تفسیر، تعدیل و یا بازتعریف دو قطبی‌هایی مانند حقوق فردی/مسئولیت‌های اجتماعی پردازد؟ جدول شماره ۱ نمایشنامه توازن ظریف را بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین و با تکیه بر آراء جورج هربرت مید تحلیل می‌کند.

جدول شماره ۱. واحد معنا، کدگذاری باز، کدگذاری محوری، ادغام محورها، تم (مضمون)

در نمایشنامه توازن ظریف

واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی	کدگذاری باز	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها	تم (مضمون)
<p>آگنس خطاب به توبیاس: شنیدی که می‌گن نمک به حرومی خواهر از نیش مار گزنده‌تره!</p>	<p>قرارگرفتن در موقعیت کنشی مغایر با خواست فردی والدین</p>	<p>عدم رضایت از نادیده‌گرفتن حقوق فردی توسط دیگران مهم</p>	<p>تقابل مسئولیت اجتماعی/حقوق فردی</p>	<p>دستیابی به پنداری نوین در رابطه با دو قطبی حقوق فردی/مسئولیت اجتماعی در اثر کنش متقابل در گروه اجتماعی</p>
<p>توبیاس خطاب به جولیا: گاهی اوقات دیگه ما مامان و بابا نیستیم، آگنس و توبیاس هستیم.</p>				
<p>آگنس: صورت‌حساب هزینه‌های روی میز توبیاس</p>				
<p>آگنس خطاب به هری و ادنا (غیرمستقیم): شماها ... واقعا ... چی می‌خواین؟</p>				
<p>توبیاس خطاب به کِلِر: می‌دونی که آگنس خودش کنترل عجیبی داره، روی خیلی وقته که ندیدم گریه کنه ... هر اتفاقی که بیفته اون اشک نمی‌ریزه.</p>	<p>کنترل خود از طریق سرکوب من فاعلی</p>	<p>جلوگیری از تداخل من فاعلی با استدلال لزوم پابندی به</p>	<p>نقش‌بازی کردن در جهت سرکوب من فاعلی</p>	

واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی	کدگذاری باز	زیرمقوله‌ها	مقوله‌ها	تم (مضمون)
کِلِر راجع به آگنس: زنی «سرسخت، ایدالیست و کمالگرا»، «پایبندی افراطی به اصول اخلاقی».	خویش‌داری با تکیه بر اصول اخلاقی اجتماعی	اصول و ارزش‌های اجتماعی		
توصیف آگنس توسط جولیا: «پاپ یا سرباز ارشد توی سربازخانه»	حفظ تعادل خانواده با کنترل خود و دیگران			
آگنس: «حفظ ظاهر»؛ «حفظ تعادل»؛ «رعایت وقت‌شناسی»؛ «نزاکت»؛ «پرهیز از بی‌مبالاتی و بی‌خیالی»؛ «خانواده منطقی شاد»	همسویی با الگوهای ارزش‌ها و استانداردهای بورژوازی جامعه			
کِلِر خطاب به توبیاس: وقتی آگنس اومد خیرم کن می‌خوام دیونه‌بازی دربارم. تو هم تظاهر کن که گیج و گولی ... به چیزایی که گفتم تظاهر کن ...	نقش‌بازی کردن با هدف پنهان کردن واقعیت	نقش‌بازی کردن برای تحریف واقعیت	واقع‌شدن در موقعیت کنشی مغایر با القاهای دیگری تعمیم‌یافته	
هری: از این اتاق خوشم نمیداد. ادنا: با این اتاق چکار کردین، آگنس؟	عدم ارزیابی و متناسب‌سازی رفتار با نوع رابطه، جایگاه و موقعیت کنشی			
کِلِر خطاب به هری و ادنا: برای چی اومدین اینجا؟				
توبیاس خطاب به جولیا: سی و شش سالته! نکبت ازدواجت	نارضایتی از رفتارهای	عدم هماهنگی رفتار با اصول و		

تم (مضمون)	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کدگذاری باز	واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی
		استانداردهای جامعه	ناهماهنگی با اصول و استانداردهای رفتار اجتماعی	<p>رو مثل به عروسک دنبال خودت می‌کشی می‌آری توی این خونه و این خونه رو پر می‌کنی از شیون و زاری ...</p> <p>خاطره تویبایس درباره گربه- اش: او ترکم کرد دیگه دوستم نداشتم، چون سعی کردم خودمو بهش تحمیل کنم.</p>
<p>عاملیت داشتن از طریق بازانديشي و بازتفسير مغايرت پنداشت‌های من مفعولی با محرک- های بیرونی</p>		<p>بازانديشي روی رفتار ديگران مهم</p> <p>مواجهه با واقعیت از طریق تفکر، ارزیابی و تفسیر آن</p>	<p>کنایه به الگوی رفتاری تحمیل خود به ديگران</p> <p>ارزیابی استدلال‌های سایر کنشگران</p>	<p>هری: انگار ما ناراحتش کردیم ...</p> <p>کِلِر: بهتون گفته باشم، توی این اتاق، خیلی آدم قربانی هست.</p> <p>ادنا: هر کدوم از ما به قربانیه. آگنس: قاعده همینه، (با نگاهی به کلر) اگرچه من معتقدم آدم‌هایی وجود دارن که دقیقن می‌دونن چی کار دارن می‌کنن و اصلاً قربانی نمی‌شن. بی‌نواترین‌ها بی‌رحم‌ترین‌ها هستن و همیشه بار مسؤلیت‌شون رو روی دوش ديگران می‌ذارن.</p> <p>ادنا خطاب به آگنس: وقتی می‌تونیم باید به همدیگه کمک کنیم عزیزم. به این میگن ... مسؤلیت‌پذیری، رفاقت دوطرفه ... اینطور نیست؟</p>

تم (مضمون)	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کدگذاری باز	واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی
				اگنس: بهتره وقتی ازمون خواسته شد حرف بزیم. جولیا: از اینجا بندازشون بیرون بابا. ادنا: نه ما از اینجا نمی‌ریم.
			دخالت ذهن در نحوه پاسخ به محرک‌ها	توبیاس: تمام طول شب رو فکر کردم و به نتیجه‌ای رسیدم که شاید قبلاً این خانواده باهاش روبه‌رو نشده و تجربه‌ش رو نداشت. اینجا نشستم و به همه‌مون فکر کردم ... به همه چیز.
			الگوهای تعمیم‌یافته بورژوازی تأثیرگذار بر رفتار فرد	توبیاس: ما آدمهای اخلاقی هستیم. همه‌اش فکر می‌کنیم خطاهای بزرگی ازمون سر زده ...
	تغییر باورهای درونی شده از طریق تداخل من فاعلی	برون‌داد گزیده‌هایی از محتوای پنهان ذهنی	تداخل افکار پنهان ذهن در رفتار آشکار	هری: دیشب اون بالا به ادنا گفتم اگه توبیاس و اگنس به ما پناه می‌آوردن و می‌خواستن با ما زندگی کنن، با وجود اینکه توی خونه ما جولیا هم وجود نداره ... من اونا رو قبول نمی‌کردم و راهشون نمی‌دادم. چون اونا هیچ حقی ندارن.
		بررسی آگاهانه معانی انتزاعی و ایجاد تغییر در	بازتابی بودن خود (گفتگوی ذهنی با خود)	تک‌گویی طولانی توبیاس: ... من این خونه رو ساختم و می‌خوام که شما بیاین توش

تم (مضمون)	مقوله‌ها	زیرمقوله‌ها	کدگذاری باز	واحد معنا با بهره‌گیری از داده‌های متنی
		الگوی رفتار		<p>بمونین! آفتی رو هم که به جون‌تون افتاده می‌خوام. وحشت‌تون رو هم با خودتون بیارین، عزیزان من! شما اجازه ورود دارین کلید هم لازم ندارین! حتی لازم نیست ازم بپرسین؟ ... لازم نیست خواهش کنین! ... ولی دوست داشتن من حد و مرزی داره ... (بلند) این‌ها حدود من هستن، ...</p>
			تغییر در رفتار سایر کنشگران	<p>-ادنا: ما نباید خودمون رو تحمیل می‌کردیم. باید اول همه چیز رو می‌سنجیدیم. ادنا خطاب به جولیا: جولیا یکم بیشتر راجع به ازدواجت فکر کن.</p> <p>-جولیا: باشه، ادنا. من از زندگی مشترک بدم نمیاد. اگنس خطاب به هری: (موقع برگشت به خانه) آروم رانندگی کن.</p> <p>-اگنس: خوب، اونا به سلامت رفتن ... همه‌مون همه‌چی رو ... خیلی زود ... فراموش می‌کنیم. (مکث) خب حالا بیاین، روز رو شروع کنیم.</p>

یافته‌ها

بر طبق نظریه کنش متقابل نمادین و با تکیه بر آراء مید می‌توان دید که در نمایشنامه *توازن* ظریف، دو قطبی حقوق فردی/مسئولیت اجتماعی در برابر دیگران مهم مسأله محوری است. مضمون اصلی که به‌عنوان راه‌حلی برای رسیدن تعادل و توازن در روابط کنشگران به‌دست آمد عبارت بود از لزوم دستیابی به پنداری نوین نسبت به دو قطبی حقوق فردی/مسئولیت اجتماعی از طریق کنش متقابل در خانواده.

دستیابی به این راهکار پیش‌شرط‌هایی داشت که در واقع همان محورهای ذکرشده در جدول شماره ۱ بودند. این محورها یا مقولات عبارت بودند از: تقابل مسئولیت اجتماعی/حقوق فردی؛ نقش‌بازی کردن در جهت سرکوب من فاعلی؛ واقع‌شدن در موقعیت کنشی مغایر با القاهای دیگری تعمیم‌یافته؛ عاملیت‌داشتن در بازاندیشی و بازتفسیر مغایرت‌های میان پنداشت-های من مفعولی با محرک‌های بیرونی؛ و در نهایت تغییر باورهای درونی‌شده از طریق تداخل من فاعلی.

هریک از محورها یا مقولات ذکرشده حاصل ترکیب زیرمقولاتی بود که در جدول شماره ۱ قید شد. بر این اساس:

- عدم‌رضایت از نادیده‌گرفتن حقوق فردی توسط دیگران مهم منجر به شکل‌گیری مقوله تقابل مسئولیت اجتماعی/حقوق فردی شد.
- جلوگیری از تداخل من فاعلی با استدلال لزوم پابندی به اصول و ارزش‌های اجتماعی منتهی به تکوین نقش‌بازی کردن در جهت سرکوب من فاعلی شد.
- عدم‌هماهنگی رفتار با اصول و استانداردهای جامعه و نقش‌بازی کردن برای تحریف واقعیت به مقوله واقع‌شدن در موقعیت کنشی مغایر با القاهای دیگری تعمیم‌یافته انجامید.
- بازاندیشی روی رفتار دیگران مهم و لزوم مواجهه با واقعیت از طریق تفکر، ارزیابی و تفسیر آن باعث شکل‌گیری مقوله عاملیت‌داشتن از طریق بازاندیشی و بازتفسیر مغایرت پنداشت-های من مفعولی با محرک‌های بیرونی شد.

- و در نهایت، مقوله تغییر باورهای درونی‌شده از طریق تداخل من فاعلی از طریق ادغام زیرمقوله‌هایش که همانا برون‌داد گزیده‌هایی از محتوای پنهان ذهنی و بررسی آگاهانه معانی انتزاعی و ایجاد تغییر در الگوی رفتار بودند، به دست آمد.

تفسیر یافته‌ها

آلبی در نمایشنامه *توازن ظریف* بر «آموزه فرهنگی حاکم بر پیکره ارزشی جامعه امریکا که بر آزادی‌های فردی، حق انتخاب و حق زندگی به شیوه‌ای که مطلوب فرد» (آدامز، ۱۹۳۱: ۴۰۴) است، تأکید می‌کند. اما آنچه دیده می‌شود این است که در بستر تعاملات واقعی افراد در اجتماع این حق توسط همان آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی از آنها سلب می‌شود. در این نمایشنامه، پرتره پدر و مادری ترسیم می‌شود که آسایش و خلوت فردی‌شان توسط وابستگی که همزمان پنهانده و مهاجم هستند از بین می‌رود. شخصیت‌های مقابل والدین هرکدام معرف یک وابسته به خانواده در الگوی خانوادگی گسترده در امریکاست. الگویی که «پیش از نیمه قرن بیستم در ساختار فرهنگ خانوادگی امریکا غالب بود (یعنی خانواده‌ای متشکل از پدر و مادر، فرزند یا فرزندان، بستگان درجه یک و حتی در مواردی دوستان نزدیک خانوادگی)» (کلمن و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۰)). حقوق فردی والدین با تداخل منافع این افراد با یکدیگر و تنش‌های پی‌درپی آنها به مخاطره می‌افتد.

والدین تلاش می‌کنند موقعیت کنشی را از طرق مختلفی مانند حفظ ظاهر با ارائه امر غیرواقع به جای واقعیت، مدارای رفتارهای خودجانبدارانه و خودمحورانه دیگران مهم‌شان و پرهیز از رفتارهایی که منطبق با الگوها و استانداردهای فرهنگ بورژوازی خانواده‌های سنتی امریکا نباشد، کنترل کنند. در اینجا والدین بازتاب افرادی هستند که در جامعه در حال گذار پس از نیمه قرن بیستم که درگیر تناقضات بوده و همچنان پایبند به حفظ ارزش‌ها، استانداردها و الگوهای بافتار سنتی امریکا هستند. والدین به نسلی تعلق دارند که «دغدغه حفظ نقاب اجتماعی خوب دیده‌شدن را دارند. آنها هنوز تحت تأثیر ارزش‌های بورژوازی مانند آداب‌دانی، حفظ شأن اجتماعی، داشتن رفتار شایسته و به‌نمایش گذاشتن تصویر خانواده ایده‌آلی‌اند که والدین در آن مروج فرهنگی هستند که اعضای آن همواره تلاش می‌کنند رفتارهای کلامی و غیرکلامی و احساسات خود را کنترل کرده و از رویارویی و تقابل اجتناب ورزند» (کلمن، ۲۰۰۷: ۳۹).

تمسک والدین به ارزش‌های بورژوازی نشان می‌دهد که من مفعولی آنها همسو با دیگری تعمیم- یافته جامعه بورژوازی است، در نتیجه آنها مصلحت جمعی را بر خواست فردی‌شان ارجحیت دهد. به علاوه، باورمندی والدین به آموزه فرهنگی-اجتماعی رؤیای امریکایی (که فرد را به سوی دستیابی به کامل‌ترین در هر امری سوق می‌دهد) نیز عامل دیگری است که باعث شده آنها تلاش کنند تصویر یک خانواده ایده‌آل را ارائه دهند.

این الگوی رفتاری والدین که بنا به تئوری مید می‌توان آن را رفتار آشکار نامید در بخش وسیعی از نمایشنامه، با رفتار پنهان آنها در تناقض است. بر این اساس، می‌توان گفت در سطح رفتار آشکار، والدین سعی بر بازنمایی مدلی از خود دارند که از درون توسط من مفعولی آنها کنترل شده و همسو با آموزه‌ها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی است. با اتکا به چنین پیش-زمینه‌ای، الگوی رفتاری غالب والدین در این نمایشنامه، مبتنی بر کنترل خود و مدارای عملکرد دیگران به نحوی است که منجر به به‌حداقل‌رساندن تعارضات میان سایر کنشگران در این موقعیت کنشی بشود.

باور ذهنی تویبیس و اگنس بر لزوم ایفای نقش به‌عنوان والدینی است که مسئولیت نامحدودی در مقابل تأمین آسایش و رفع نیازهای دیگران مهم‌شان دارند. این مسأله هرچند در تضاد با خواست درونی آنهاست اما آنها را به نقش‌بازی کردن در راستای ترسیم یک انگاره غیرواقعی وامی‌دارد. همین امر موجب بروز تعارضات درونی و تحریک گاه و بیگاه من فاعلی آنها می‌شود که پیوسته در وضعیت سرکوب قرار دارد.

تلاش آنها برای باورسازی در دیگران با تکیه بر نوع رفتاری که از خود ارائه می‌دهند منجر به مواجهه آنها با واکنش‌هایی از سوی دیگران مهم‌شان می‌شود. به تدریج تنش‌های میان اعضا افزایش یافته و این امر والدین را وادار به برون‌داد بخش‌های مهمی از افکار ذهنی خود می‌کند. بدین ترتیب، واقعیت نوینی پایه‌گذاری می‌شود که مبتنی بر درک متقابل و دوسویه است. پس از ارزیابی رفتار دیگران، والدین محتوای پنهان ذهن خود را به سطح واقعیت آورده و از این طریق عاملیت و فاعلیت از خود نشان می‌دهند. در واقع، والدین با ارزیابی کنش‌های دیگران و انطباق خلاقانه عمل خود با آن کنش‌ها، سویه رفتاری از خود به‌عنوان کنشگران فعال نشان داده و موقعیت تعاملی‌شان را سامان می‌بخشند.

شخصیت‌های مقابل والدین، طیفی از افراد جامعه را به تصویر می‌کشند که از مرحله تبعیت از ارزش‌های سنتی گذر کرده و فردیت خود را بدون ملاحظیات فرهنگی بورژوازی به نمایش می‌گذارند. این گروه، در میان گزینه‌های دو قطبی خود/دیگری ترجیح و اولویت را به خود داده‌اند. با نگاهی دقیق به متن نمایشنامه، دیده می‌شود که رفتار پنهان این گروه شخصیت‌ها مکرراً در سطح رفتار آشکار آنها تداخل می‌یابد. زبانی که این گروه از شخصیت‌ها برای گفتگو با یکدیگر انتخاب می‌کنند در بخش وسیعی از مکالمات، صریح، گزنده، نیش‌دار، طعنه‌آمیز و کنایی است. همین امر نیز کنش‌های کلامی و غیرکلامی آنها را از حالت معمول و متعارفی که متناسب با استانداردها و الگوهای بورژوازی مورد پذیرش والدین هست خارج کرده است.

آنچه باعث چرخش در طرح کلی داستان می‌شود برون‌داد بخش‌هایی از افکار پنهان هری در سطح کنشی است. این سخنان مشخص می‌کند که دو قطبی مسئولیت/حق برای والدین دقیقاً به گونه‌ای وارونه، یعنی تقدّم حق بر مسئولیت برای هری، ادنا، کِلِر و جولیاست. استخراج این پنداشت از میان اظهارات هری باعث شد پدر (توبیاس) نیز از طریق واژگونی این دو مفهوم انتزاعی در محتوای ذهنی خود، چیدمان جدیدی به شکل تقدّم حقوق فردی خود نسبت به وظایف و مسئولیت‌هایش پیاده‌سازی کند.

این رهیافت نقطه عطف داستان است. بدین ترتیب، تنها پس از مشاهده نمودهایی از تداخل من‌فاعلی دیگر شخصیت‌ها، که پیش از این با نقش‌بازی کردن سعی بر پنهان‌نگاه‌داشتن آن داشتند، باورهای توبیاس به چالش کشیده می‌شود. این امر او را قادر می‌نماید به شکل آگاهانه-تری موقعیت تعاملی‌شان را ارزیابی و بازتفسیر کند. توبیاس دریافت که مسأله پیش روی آنها با پنهان‌کردن منفعلانه خواسته‌ها و نیازهایش و تصویرسازی یک واقعیت ساختگی به نتیجه نخواهد رسید. او دریافت تنها کارکرد سرکوب من‌فاعلی در این موقعیت ویژه تعاملی، صرفاً منحرف‌کردن دیگران از این واقعیت است که او و همسرش آگنس تمایل به داشتن یک محیط آرام و خصوصی دارند که مورد تعرض دیگران قرار نگیرد.

با به‌مذاکره‌گذاشتن فعال معانی، زمینه ایجاد زنجیره‌ای از بازاندیشی، ارزیابی و بازتفسیر دیگر کنشگران را نیز فراهم شد. بدین ترتیب، ادنا و هری به خانه خود بازگشتند، جولیا صحبت از بررسی دوباره ازدواجش و تمایلش برای بازگشت به آن را مطرح کرد و کِلِر به ارزیابی مجدد برخوردهای حق به جانب در مقابل آگنس پرداخت. می‌توان گفت رهیافتی این نمایشنامه در

قالب تم یا مضمون بیان شد که همانا به مذاکره گذاشتن بخش‌هایی از معانی پنهان به صورت تلاشی آگاهانه در جهت رویارویی با واقعیت به منظور بهبود عملکرد و مدیریت تأثیرگذارتر موقعیت تعاملی است.

نویسنده از طریق مکالمه‌ها و بحث‌های صورت‌گرفته میان شخصیت‌ها، مخاطب را وا می‌دارد تا آنچنان که مید می‌گوید از طریق مکالمه درونی با خود به بررسی مخرب بودن ارتباط ارزیابی‌نشده پردازد. در واقع، این نمایشنامه نمونه‌ای از واقع‌شدن کنشگر در موقعیت کنشی ویژه طی تجربه زیستی‌اش در بستر روابط گروهی کوچک بازنمایی می‌کند.

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی نمایشنامه *توازن ظریف* اثر ادوارد آلبی بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین با تکیه بر آراء جورج هربرت مید و با بهره‌گیری روش تحلیل محتوای جهت‌دار پرداخت. در این راستا، بارزترین مؤلفه‌های نظریه مید از جمله خود، ذهن، دیگری تعمیم‌یافته، دیگری مهم، من فاعلی، من مفعولی، نقش‌بازی کردن و غیره مختصراً تبیین شد. با ارجاع به متن نمایشنامه *توازن ظریف*، واحد معنا برگرفته از داده‌های متنی تعیین و به صورت هدفمند استخراج شد. در مراحل بعد، کدگذاری باز، کدگذاری محوری (زیرمقوله‌ها)، ادغام محورها (مقوله‌سازی) و در نهایت جمع‌بندی مقولات و ساخت تم (مضمون) با استفاده از نظریه کنش متقابل نمادین و با تکیه بر آراء مید انجام شد.

در پاسخ به سؤال اول پژوهش می‌توان گفت بر طبق نظریه کنش متقابل نمادین، نمایشنامه *توازن ظریف* نمونه‌ای از کنشگری افراد در یک گروه کوچک، روند بازتفسیر نمادها، معانی، درون‌دادها و باورهای القاشده از سوی جامعه را بازنمایی کرده است. بر طبق نظریه مذکور، خانواده در این نمایشنامه یک نماد محسوب می‌شود که برای شخصیت‌ها معانی مشترکی مانند مأمن، حریم امن، صمیمیت، آرامش و غیره به همراه دارد. به واسطه همین گستره مشترک معنایی خانواده است که همه شخصیت‌ها برای دستیابی به آرامش تمایل به حفظ پیوستگی‌شان بدان دارند؛ اما خانواده در نمایشنامه *توازن ظریف* کارکرد خود را به دلیل تعارضات شخصیت‌ها از دست داده است.

در نتیجه تحلیل متنی نمایشنامه *توازن ظریف* بر اساس نظریه ذکرشده مشخص شد که عدم ارزیابی موقعیت تعاملی منجر به بروز مشکلات ارتباطی میان شخصیت‌های کنشگر شد. عطف به شخصیت والدین دیده شد که حتی در نیمه دوم قرن بیستم بخش قابل ملاحظه‌ای از جامعه امریکا به واسطه غالب بودن من مفعولی‌شان همچنان تابع ارزش‌ها، اصول و استانداردهای بورژوازی بودند. این دسته که من فاعلی خود را در وضعیت سرکوب‌شده نگاه داشتند، با تنش‌های درون‌فردی و بین‌فردی مواجه شده و بالطبع نتوانستند به خود سازمان‌یافته‌ای دست یابند. طبق یافته‌های حاصل از داده‌های متنی برای دستیابی به یک خود سازمان‌یافته، شخصیت‌ها مکرراً ناگزیر به ارزیابی پیوسته ایماها، اشاره‌ها، اعمال و هر آن چیزی بودند که در کنش جمعی مشترک با دیگران می‌دیدند و می‌شنیدند. تحلیل نمایشنامه *توازن ظریف* همچنین نشان داد پنهان‌نگه داشتن محتوای ذهنی، سرکوب من فاعلی و نقش‌بازی کردن انحرافی شخصیت‌ها الگوی رفتاری مؤثری در رابطه متقابل آنها نبود.

در جهت پاسخ به پرسش دوم تحقیق، روابط و کنش‌های شخصیت‌ها با تکیه بر متن نمایشنامه مورد ارزیابی قرار گرفت. همچنین نقش‌های اجتماعی شخصیت‌ها، تجربه‌های شخصی‌شان، نسبت‌های بین آنها و میزان درک‌شان از این نسبت‌ها و سطح تأثیرپذیری از الگوهای اجتماعی تبیین شد. ملاحظه شد که والدین بر ارائه رفتارهای غیرواقعی اهتمام داشتند که با خواست فردی‌شان در تعارض بوده اما همسو با الگوها و استانداردهای اجتماعی بورژوازی حاکم بر بافتار سنتی جامعه امریکا بود. من مفعولی عنصر غالب بر خود در والدین محسوب شد و همین مسأله نیز موجب بروز رفتار خودسانسوری و پنهان‌نگه‌داشتن افکار و ذهنیات‌شان می‌شد. در نتیجه شیوه رفتار عیانی که از این امر منتج می‌شد در تعارض با خوسته‌ها، نیازها و تمایلات حقیقی‌شان بود. آنها خود را مسئول ایجاد آسایش برای دیگران مهم پیرامونی‌شان می‌دانستند و اولویت را بر تقدّم مسؤلیت در برابر دیگران نسبت به حقوق فردی خود لحاظ می‌کردند. همچنین عدم ارزیابی موقعیت کنشی و عمل سایر کنشگران توسط والدین باعث شد تا بدون در نظر گرفتن نوع و سطح ارتباط متقابل‌شان، معانی‌ای را که می‌بایست به مذاکره بگذارند مسکوت گذاشته و از این‌رو در درون خود دچار کشمکش و تعارض شوند. در واقع، آنچه این زوج را در موقعیت تنش‌زا قرار داد عاملیت نداشتن آنها بود. آنها نیازمند رسیدن به این آگاهی بودند که عمل دیگران مهم‌شان در ارتباط با عمل آنها ساخته و پرداخته می‌شود و یک کنش

جمعی مشترک است که از رفتار خودشان نیز تأثیر می‌پذیرد. بنابراین به میزانی که جهت‌گیری رفتاری والدین تغییر پیدا کرد، کنش جمعی مشترک‌شان نیز به سوی توازن و تعادل بیشتری حرکت کرد.

سوی دیگر این موقعیت کنشی تنش‌زا، چهار شخصیت دیگر قرار داشتند که بدون ارزیابی موقعیت تعاملی، نقش‌های ساختگی بازی می‌کردند تا از این طریق بتوانند بر والدین تأثیر بگذارند. آنها خود را صاحب حق و والدین را مسئول تأمین خواسته‌ها و نیازهایشان می‌دانستند. ارتباط معطوف به هدف آنها در حقیقت نوعی خاص از ارتباط بود که در آن به‌عنوان برقرارکننده ارتباط، هدفی خاص و ازپیش‌تعیین‌شده را دنبال می‌کردند. رفتار عیان آنها به گونه‌ای بود که والدین را به سوی واکنش‌های معینی سوق می‌داد. آنها با گرفتن بازخوردهای مورد انتظار از والدین، نقش خود را به گونه‌ای بازی می‌کردند تا برای والدین باورپذیر باشد.

البته نقطه عطف نمایشنامه آنجا بود که در واکنش به بروز تکانه‌های من فاعلی آنها، والدین به‌ویژه پدر نیز خودسانسوری را کنار گذاشته و با به‌مذاکره گذاشتن معناهای پنهان ذهنی خود که به شکل آنی، سازمان‌دهی نشده و یک‌مرتبه‌ای به سطح کنشی وارد شد، به کنش‌گر فعال‌تری تبدیل شد و موقعیت تعاملی مشترک را سامان بخشید.

منابع

- آلبی، ادوارد (۱۳۹۴)، *توازن ظریف*، ترجمه رضا شیرمرز، تهران: نشر قطره، چاپ دوم.
- انواری، محمدرضا (۱۳۹۰)، «نقد و بررسی نظریه کنش متقابل نمادین»، فصلنامه علمی پژوهشی معرفت، شماره ۱۳۷، صص ۱۵۳-۱۷۱.
- ایمانی، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، «تحلیل محتوای کیفی در پژوهش»، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص. ۱۵-۴۴.
- تنهایی، حسین ابوالحسن، (۱۳۷۱)، *درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی*، گناباد: انتشارات مرندیز.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴)، *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه محمدصادق مهدوی و همکاران، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- _____، ۱۳۷۷، *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر علمی، چاپ سوم.

- رنجبر، محمود و همکاران (۱۳۹۵)، «تحلیل جامعه‌شناختی نفثه المصدور بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین»، فصلنامه جامعه‌شناسی تاریخی، سال هشتم، پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۶۱-۸۱.
- زاهدی، فریندخت و همکاران (۱۳۹۲)، «بررسی نقش‌های جنس‌گرایانه در دو نمایشنامه خواب در فنجان خالی و شکلک اثر نغمه ثمینی بر اساس نظریه کنش متقابل نمادین»، نشریه جامعه‌شناسی هنر و ادبیات، بهار و تابستان، صص. ۹۶-۸۱.
- صدری افشار، غلامحسین و حکیمی (۱۳۸۲) *واژه‌نامه فنی*، تهران: نیلوفر، چاپ ششم.
- سلطانی، مهدی و پارسانیا، حمید (۱۳۹۵)، «بازخوانی انتقادی عمل‌گرایی اجتماعی جورج هربرت مید بر مبنای حکمت متعالیه»، مجله علمی-پژوهشی دین و سیاست زندگی، دوره ۳، شماره ۱، پیاپی ۶.
- فاضلی، محمد (۱۳۸۳)، «گفتمان و تحلیل انتقادی»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماع، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۸۰-۱۰۷.
- فیض‌الله نژاد، داریوش (۱۳۸۷)، *روایه‌های اخلاقی: سنت نمایشنامه اخلاقی در سه اثر از ادوارد آلبی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- قانع‌راد، سید محمدمامین (۱۳۹۲)، «جورج هربرت مید: پست‌مدرنی در آغاز راه»، ماهنامه کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۲، پیاپی ۱۶۴، اردیبهشت.
- کوئن، بروس (۱۳۹۹)، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا، چاپ ۳۵.
- نیازی، محسن و مرتضوی، آمنه (۱۳۹۴)، «بررسی و تحلیل نظریه کنش متقابل نمادین»، کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، ۲۷ آبان، تهران، مرکز همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما، صص ۲۵-۱.
- هوروش، مونا (۱۳۹۱)، *بازنمایی زنان در نمایشنامه‌های ادوارد آلبی*، رساله دکتری، شیراز: دانشگاه شیراز.
- Adams, James T. (1931), *The Epic of America*, New York, Greenwood Press, 2nd ed.
- Berger, Peter, and Thomas Luckman (1966), *The Social Construction of Reality*, New York, Doubleday.
- Berleson, B., (1952), *Content Analysis in Communication Research*, Glencoe, Illinois, The Free Press, 1952.
- Blumer, Herbert (1969), *Symbolic Interactionism; Perspective and Method*, NJ, Orentice-Hall.
- Blunden, Andy (2013), "The Social Self", *Journal of Philosophy, Psychology and Scientific Methods*, 10, pp. 374-380.
- Coleman, Marilyn, and Ganong, Lawrence, and Warzinik, Kelly (2007), *Family Life in 20th century America*, Westport, Greenwood Press.
- Coser, Lewis A. (1956), *The Function of Social Conflict*, Glencoe, Ill., Free Press.

- Fazeli, Mohammad (2004), "Discourse and Critical Analysis, Humanistic and Sociological Research", Year 4, No. 14, PP. 80-107.
- Hsieh, H. F. & Shannon, S. E. (2005), "Three Approaches to qualitative Content Analysis. Qualitative Health Research", 15 (9), pp. 1277-1288.
- Kenen, Regina (1982), "Soapsudes, Space and Sociobility: A Participant Observation of the Laundromat", Urban Life, 11, No. 2, 163- 183.
- Mead, George H (1934), *Mind, Self, and Society*, Chicago, Chicago University Press, 1st ed.
- Snow, David D. (2001), "Extending and Broadening Blumer's Conceptualization of Symbolic Interactionism", Symbolic Interaction, 24, pp. 367-377.
- Miller, David (1982), *Introduction in G. H. Mead, The Individual and the Social Self: Unpublished Work of George Herbert Mead*, Chicago: University of Chicago Press.
- Stolley, Kathy (2005), *The Basic of Sociology*, Westport, Greenwood.
- Sadri Afsar, Gholamhossein and Hakimi, Niloofar (2003), *Technical Dictionary*, Tehran: Niloofar, 6th ed.
- Schwalbe, Michael L. (2005), "Self and Self-concept", Ritzer George, *Encyclopedia of Social Theory*, Thousand Oaks, Sage, pp. 684-687.
- Stone, Philip (1966), *The General Inquirer: A Computer Approach to Content Analysis*, Cambridge, M.I.T. Press.
- Subberwal, Ranjana (2009), *Dictionary of Sociology*, New Delhi, McGrew-Hill Companies.
- Thomas, William I. and Thomas, Dorothy S. (1928), *The Child in America, Behavior Problems and Programs*, NewYork: Knopf.